

Types of interpretations of Ahl al-Bayt (AS) in part 26 of the Holy Quran

(Received:2022/02/25-Accepted:2022/04/19)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.1400.6.6.10.3>

sadeghi, fereshteh¹

goli, mehrnaz²

Abstract

The Qur'an, the last divine book, has an appearance and an interior and is based on the field of interpretation. Certain individuals benefit from the science of interpretation, and human society needs them to achieve those truths in the direction of transcendence. The Shiite school introduces the infallibles (AS) as examples of the atom of those who know the science of interpreting the Qur'an, and believes that the knowledge of the Infallibles (AS) is beyond ordinary knowledge and has divine principles; because religious texts indicate the connection of infallible knowledge (AS) to God. This research seeks to find an answer to the question of what are the types of interpretations of the Ahl al-Bayt (AS) in section 26. Therefore, in this regard, the narrations of Ahl al-Bayt (AS) related to part 26 of the Qur'an, which have been narrated in the interpretations of Al-Burhan, Noor al-Thaqalin, Safi, Qomi, Al-Dar al-Manthur, Euphrates Kufi and Kanz al-Daqaiq, were examined and determined by descriptive-analytical method. Out of a total of 195 verses in 6 suras, volume 26, 25 verses have interpretations, and a total of 30 interpretive narrations from the Ahl al-Bayt (AS) are given below these verses. Of these 30 narrations, 25 narrations are of the type of Jerry and adaptation and from the category of expression of absolute example, 3 narrations are of the type of Jerry and adaptation and from the category of expression of general example and 2 narrations are of the type of esoteric narrations and esoteric interpretations about Amir al-Mu'minin And the pure Imams, the Shiites of the Imams, are the enemy of the province of Al-Muhammad (PBUH).

¹ . Sistan and Baluchestan University, Faculty of Quranic Sciences, Zabol,Iran, fereshete.sadeghi77@gmail.com

² . Faculty of Quranic Sciences, Sistan and Baluchestan University, Iran, goli_m@theo.usb.ac.ir



Keywords: Interpretation, Interpretation, Noon and Belly, Jerry and Adaptation, Volume 26 of Quran

نوع مقاله: پژوهشی

انواع تأویلات اهل بیت (ع) در جزء ۲۶ قرآن کریم

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۲/۰۶-تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۳۰)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.1400.6.6.10.3>

صادقی، فرشته^۱

گلی، مهرناز^۲

چکیده

قرآن آخرین کتاب آسمانی دارای ظاهر و باطن بوده و بر ساحت تفسیر و تأویل استوار شده است. افراد خاصی از علم تأویل بهره‌مند هستند و جامعه بشری برای دستیابی به آن حقایق در جهت سیرتعالی نیازمند به ایشان می‌باشد. مکتب تشیع مصداق اتم آگاهان از علم تأویل قرآن را معصومان(ع) معرفی می‌کند و بر این باور است که دانش معصوم(ع) فراتر از علم عادی بوده و دارای مبادی الهی می‌باشد؛ زیرا متون دینی بر اتصال علم معصوم(ع) به خداوند دلالت دارد. این پژوهش در پی یافتن پاسخ به این سوال هست که انواع تأویلات اهل بیت(ع) در جزء ۲۶ کدام است؟ بنابراین در این راستا روایات اهل بیت(ع) مربوط به جزء ۲۶ قرآن که در تفاسیر روایی البرهان، نورالثقلین، صافی، قمی، الدرالمثور، فرات کوفی و کنز الدقائق نقل شده است مورد بررسی قرار گرفت و با روش توصیفی-تحلیلی مشخص شد که از مجموع ۱۹۵ آیه در ۶ سوره جزء ۲۶، تعداد ۲۵ آیه از تأویل برخوردارند که جمعاً ۳۰ روایت تأویلی از اهل بیت (ع) در ذیل این آیات آمده است. از این ۳۰ روایت، ۲۵ روایت از نوع جری و تطبیق و از دسته‌ی بیان مصداق مطلق، ۳ روایت از نوع جری و تطبیق و از دسته‌ی بیان مصداق عام و ۲ روایت از نوع روایات باطنی می‌باشد و تأویلات باطنی درباره امیرالمومنین(ع) و ائمه اطهار، شیعیان ائمه، دشمن ولایت آل محمد(ص) می‌باشند.

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده علوم قرآنی، زابل، ایران(نویسنده مؤثر)،

fereshete.sadeghi77@gmail.com

^۲. استادیار، دانشکده علوم قرآنی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زابل، ایران goli_m@theo.usb.ac.ir

This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License

کلید واژه‌ها: تفسیر، تاویل، ظهر و بطن، جری و تطبیق، جزء ۲۶ قرآن.

۱- مقدمه

خداوند متعال مفاهیم و حقایق والا و قدسی را در قالب متن قرآن کریم بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) وحی نموده است. قرآن کریم، از هنگام نزول تا هم اکنون، سرچشمه پیدایش و سرمایه پرورش بزرگترین و پاکترین روح‌ها، بلندترین همت‌ها، استوارترین اراده‌ها، عمیق‌ترین افکار، عالی‌ترین معارف، نغزترین ادبیات و دل انگیزترین هنرها در عرصه‌های گسترده و حوزه‌های گوناگون حیات فکری و فرهنگی و علمی و اجتماعی و ادبی و هنری مسلمانان در همه اکناف عالم و در پهنه تاریخ پرافتخار فرهنگ و تمدن اسلامی بوده است. وجود پیوندی ریشه‌دار و ناگسستگی، میان قرآن و همتایان معصوم و بی‌مانندش، که از حدیث زرین «ثقلین» و ده‌ها روایت دیگر برمی‌آید، بایسته بودن مطالعه ژرف و تحلیل گونه سخنان تفسیری و تاویلی آن بزرگواران، به منظور انجام پژوهشی مطمئن و استوار از قرآن کریم، آشکار ساخته است. واژه تاویل از واژه‌هایی است که در ادبیات قرآنی اهمیت به‌سزایی داشته و در حوزه‌های معرفت دینی، همچون تفسیر، کلام، اصول، فقه، فلسفه و عرفان جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. تاویل‌پذیری آیات قرآن از مباحثی است که در میان مفسران و قرآن‌پژوهان سابقه دیرینه دارد، تمامی کسانی که به بطون قرآن اعتقاد دارند به مقتضای اعتقاد و نوع نگاه خود به موضوع بطون درباره آن سخن گفته‌اند.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پرتال جامع علوم انسانی

۱-۲- تاویل

۱-۱-۲- تاویل در لغت

جهت روشن شدن معنای تاویل و سیر تحول آن، این واژه را در کتب لغت به ترتیب تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

- در «تهذیب اللغه»، نوشته «ابو منصور محمد بن احمد ازهری» (متوفای ۳۷۰ ه. ق.) - که یکی از قدیمی‌ترین معجم‌های لغوی است - آمده است: «اول» به معنی رجوع است. (ابن تیمیه، بی تا:

ج ۱۵ / ص ۳۲۷)



- ابن فارس در «مقایس اللغة» آورده است «أول» دارای دو اصل است:

الف-ابتدای امر، که واژه اول، به معنای ابتدا، از این اصل است.

ب-انتهای امر، تأویل کلام به معنای عاقبت و سرانجام کلام، از این باب است.

در ادامه می‌گوید: «آل یؤول» به معنای بازگشت است. حکم را تأویل به اهلش داد یعنی حکم را به سوی آن‌ها بازگشت داد و رد کرد، «اباله» که به معنای سیاست با شد نیز از همین باب است، زیرا بازگشت مردم به سیاست‌مداران است و آل رجل یعنی رعیت و زیردستان او. تأویل نیز از همین باب است که به معنای عاقبت و چیزی است که یک شیء به آن بازگشت می‌کند. و آیه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ»، در همین معنا استعمال شده است، یعنی سرانجام کتاب خدا را در هنگامی که برانگیخته می‌شوند، در می‌یابند (یعنی هنگام قیامت، وعده و وعیدهای قرآن را تحقق یافته می‌یابند). وی می‌نویسد: «أول الحکم الی اهلہ، یعنی، حکم را به ایشان ارجاع داد.» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۱/ ص ۱۵۸).

- «ابن منظور» (متوفای ۷۱۱ ه. ق.) در «لسان العرب»، ضمن بیان آنچه ازهری، ابن فارس، جوهری و ابن اثیر آورده‌اند، می‌نویسد: از «ابو العباس احمد بن یحیی» درباره تأویل، سؤال شد. وی گفت: واژه‌های تأویل، معنی و تفسیر، یکی هستند. از لیث نیز نقل شده است که گفت: تأویل و تأویل، تفسیر کلامی است که معانی مختلف دارد و بیان آن جز با کلام دیگر ممکن نیست. ابن منظور می‌افزاید: «أول الکلام و تأوله» یعنی «دبره و فسره، آن را تدبیر و تفسیر کرد.» وی آیه «وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ، یونس، ۳۹» را چنین معنا می‌کند: «لم یکن معہم علم تأویلہ، دانش تأویلش با آنان نیست.» او در این باره می‌افزاید: بعضی نیز آیه را چنین معنا کرده‌اند: «لَمَّا يَأْتِهِمْ ما یؤول الیه امرہم فی التکذیب بہ من العقوبۃ»، هنوز به سرانجام کارشان در تکذیب که همان عقوبت است نرسیده‌اند. دلیل این معنا، ادامه همین آیه است که می‌فرماید: «كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ، یونس، ۳۹» ابن منظور از ابو عبیده نقل کرده که گفته است: «التأویل المرجع و المصیر، تأویل محل رجوع و بازگشت است.» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۳۲).

- زبیدی (متوفای ۱۲۰۵ ه. ق) در تاج العروس می‌نویسد: «اوله الیه تأویلا، یعنی آن را تفسیر کرد.» و برخی دیگر گفته‌اند: «تفسیر»، بیان تفصیلی از قصص است که در قرآن، به طور مجمل آمده است و نیز تقریب به ذهن کردن معنای الفاظ غریب قرآن را گویند و نیز تبیین اموری است

که آیاتی از قرآن درباره آن‌ها نازل شده است و «تأویل»، بیان کردن معنای الفاظ متشابه آن است که نص نیست، لذا قطع به مدلول آن نداریم. (مرتضی زبیدی، ۱۹۹۴، ج ۱۴/ ص ۳۱-۳۲).

– «تأویل» از ریشه «اول» گرفته شده و به معنای «رجوع» و «بازگشت دادن چیزی به اصل» آن است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۹۹). با توجه به آنچه از کتب لغت نقل شد، ذکر نکات زیر قابل توجه است: نکته اول آن که واژه «اول» جز به معنای «رجوع» یا «مرجع»، به معنای دیگری نیامده است، گرچه برای مشتقات آن مانند «اول» (صیغه فعلی از باب تفعیل) و تأویل (مصدر باب تفعیل)، معنای دیگری ذکر شده است. نکته دوم آن که «اول» و «تأویل» گاهی به معنای مصدری به کار رفته‌اند و گاهی به غیر معنای مصدری. به طور مثال، گاهی به معنای رجوع و ارجاع و گاهی به معنای مرجع و عاقبت به کار رفته‌اند. در این میان استعمال واژه تأویل به معنای غیر مصدری شیوع بیشتری دارد، تا معنای مصدری آن. نکته سوم آن که در کتب لغت، مجموعاً چهار معنا برای تأویل ارائه شده که به ترتیب زیر است: ۱. مرجع و عاقبت، ۲. سیاست کردن، ۳. تفسیر و تدبیر، ۴. انتقال از معنای ظاهری لفظ به معنای غیر ظاهر.

۲-۲-۲- تأویل در اصطلاح

واژه تأویل در نظر مفسران و پژوهش‌گران علوم قرآنی بسیار مورد توجه بوده است. که در این جا به بعضی از آن معانی اشاره می‌شود.

– «ابن تیمیه» از جمله کسانی است که نظریه ویژه‌ای درباره تأویل داشته و در نوشته‌های خود، در این باره بحث نموده است. در این جا به برخی از نظریات او پرداخته می‌شود.

«ابن تیمیه» می‌گوید: تأویل، لفظ مشترک بین سه معناست:

۱. حقیقت خارجی. مقصود خداوند از تأویل قرآن، این معناست.
۲. تفسیر و بیان. علمای سلف چون «ابن عباس و مجاهد»، تأویل را به این معنا استعمال کرده‌اند.
۳. معنای خلاف ظاهر که اصطلاح متأخران است. (ابن تیمیه، بی‌تا: ص ۲۳).

– از نظر علامه طباطبایی، تأویل حقیقتی است که هر شیء بدان بازمی‌گردد و بر آن مبتنی است، لذا می‌فرماید: از آیات شریفه استفاده می‌شود که در ورای این قرآن که ما آن را می‌خوانیم و معنای آن می‌فهمیم، حقیقت دیگری است که نسبت آن با قرآن، نسبت روح به جسد و ممثل با مثل است، همان‌که خداوند متعال آن را «کتاب حکیم» خوانده است که تمام معارف قرآن و



مضامین آن برآن مستند است و آن، از سنخ الفاظ و معانی آنها نیست. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۳/ ص ۲۳-۲۴)

«علی اکبر بابایی» در تعریف تاویل آورده است: تاویل قرآن، طبق آنچه از ظاهر آیات کریمه (آیاتی که در بردارنده تاویل در مورد قرآن کریم است) و روایات؛ آن قسم از معانی و مصادیق آیات کریمه است که جز خدای متعال و راسخان در علم «نبی اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)» کسی آن را نمی‌داند و فهمیدن آن بر مبنای ادبیات عرب و اصول محاوره میسر نیست. (بابایی، ۱۳۸۸: ص ۳۴).

۳- تاویل از دیدگاه آیت الله معرفت

آیت الله معرفت «تاویل» را از «أول» به معنای رجوع و بازگشت، مفهوم عامی دانسته که در پاره‌ای موارد، قابل انطباق بر جریانات مشابه و قابل تطبیق بر زمانها و مکان‌های مختلف است و برای نمونه به آیه ۴۱ سوره انفال استناد میکند که در مورد غنائم به دست آمده در جنگ بدر است که شامل غنایم دیگر نیز می‌شود. از نظر ایشان، «تاویل» توجیه چیزی شک‌برانگیز است و در متشابهات کاربرد دارد که شامل لفظ و عمل متشابه بوده و رفع شبهه با وجه صحیح مدنظر است. و در موردی به کار می‌رود که گفتار یا کرداری موجب شبهه و سرگردانی گردد. به عبارت دیگر، «تاویل» برطرف کردن شبهه به سبب پوشیدگی حقیقت است که علاوه بر رفع ابهام، رفع شبهه نیز می‌کند (معرفت، ۱۴۲۷ ق).

۴- تاویل در قرآن

کاربرد واژه تاویل در آیات قرآن کریم، انگیزه‌ای برای بحث‌های گسترده درباره «تاویل» و به ویژه «تاویل قرآن» شده است. این واژه در قرآن، هفده بار در ۱۵ آیه و ۷ سوره آمده است. در آیات ۷ سوره آل عمران و ۵۳ سوره اعراف و ۳۹ سوره یونس، درباره قرآن به کار رفته است که منشأ بحث و گفتگوی مفسران درباره «تاویل قرآن» شده است. در این باره، آیه ۷ از سوره آل عمران نقش محوری دارد. واژه تاویل در آیات ۶، ۲۱، ۳۶، ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۱۰۰ و ۱۰۱ سوره یوسف درباره رؤیا به کار رفته است و مفسران عموماً آن را به «تعبیر خواب»، تفسیر و معنا کرده‌اند. آیات ۷۸ و ۸۲ سوره کهف درباره تاویل کارهای خضر علیه السلام است که موسی علیه السلام تحمل آن‌ها را نداشت و خضر (علیه السلام) تاویلش را به او یادآور شد. آیه ۵۹ سوره نساء، درباره تاویل ردّ تنازع به خدا و رسول، و آیه ۳۵ سوره اسراء درباره تاویل ایفای

کیل و میزان در معامله است. با نگاهی به این گزارش اجمالی، می‌توان کاربرد واژه تأویل را در قرآن به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. تأویل قول (آیات سوره‌های آل عمران، اعراف و یونس که درباره قرآن است).
۲. تأویل فعل (آیات سوره‌های نساء، اسراء و كهف).
۳. تأویل رؤیا (آیات سوره یوسف). (شاکر، ۱۳۷۶: ص ۳۴).

۴-۱- تأویل

روایتی در تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن بحرانی به تأویل این آیه پرداخته که در این جا ذکر می‌شود. ابن شهر آشوب: عن جعفر، و أبی جعفر (علیهما السلام)، فی قوله تعالی: «الَّذِينَ كَفَرُوا»: یعنی بنی امیه، «وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» عن ولاية علی بن أبی طالب (علیه السلام). (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۵/ ص ۵۵) ابن شهر آشوب از امام محمد باقر و امام صادق (علیهم السلام) روایت کرده است که منظور از «الذین کفروا» بنی امیه و منظور از «سبیل الله» ولایت امیرالمومنین (علیه السلام) است. بازداشتن از راه خدا یعنی بازداشتن مردم از پذیرفتن ولایت امیرالمومنین (علیه السلام). عبارت «الذین کفروا» و «سبیل الله» در آیه به صورت مطلق است و شامل همه‌ی کافران که مردم را از راه خدا باز داشتند می‌شود ولی در این روایت مصداق اتم کافران بنی امیه و مصداق اتم راه خدا ولایت امام علی (علیه السلام) ذکر شده است. باطل شدن اعمال ماهیت یک موضوع را که همان انحراف از حق است می‌رساند و بزرگترین انحراف دور شدن از خط ولایت امام علی (علیه السلام) است که کافران از ولایت علی (علیه السلام) مصداق اتم و اکمل آیه می‌باشد؛ بنابراین تأویل در این روایت از نوع جری و تطبیق و از دسته‌ی بیان مصداق مطلق می‌باشد.

۵-محمد/ ۲

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ، محمد، ۲» و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و به آن چه بر محمد (ص) نازل شده و همه حق است و از سوی پروردگارشان نیز ایمان آوردند، خداوند گناهان‌شان را می‌بخشد و کارشان را اصلاح می‌کند.»

۵-۱- تفسیر



« وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ » ظاهر این که صدر آیه مطلق آمده، این است که مطلق دارندگان ایمان و عمل صالح منظورند، در نتیجه جمله « وَ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ » که ایمان آوردن را مختص به یک طائفه می‌داند، قیدی احترازی خواهد بود، نه تاکید که صرفاً به خاطر عنایتی که به ایمان دارد قید مزبور را آورده باشد. « وَ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ » این قسمت، جمله‌ای است معترضه. و ضمیر « هو » راجع به « بما نُزِّلَ » است. در این آیه شریفه، اضلال اعمال که در آیه قبلی بود با تکفیر سیئات و اصلاح بال مقابله شده، در نتیجه معنایش این می‌شود که ایمان و عمل صالح‌شان به سوی غایت سعادت‌شان هدایت کرد. چیزی که هست چون این هدایت تمام نمی‌شود مگر با تکفیر گناهان، چون با بودن گناهان وصول به سعادت دست نمی‌دهد، لذا تکفیر سیئات را هم ضمیمه اصلاح بال نمود. معنای آیه این است که خداوند با غفو و مغفرت خود پرده‌ای بر روی گناهان‌شان می‌کشد، و هم در دنیا و هم در آخرت دل‌هایشان را اصلاح می‌کند، اما در دنیا برای این که دین حق دینی است که با آن چه فطرت انسانی اقتضایش را دارد موافق است، و احکامش مطابق همان فطرتی است که خدای تعالی بشر را بر آن فطرت آفریده، و فطرت اقتضاء ندارد و نمی‌طلبد مگر چیزی را که کمال و سعادت انسان در آن است، و ایمان به آن چه خدا نازل کرده و عمل به آن وضع انسان را در مجتمع دنیایی‌اش اصلاح می‌کند. اما در آخرت برای این که آخرت، عاقبت همین زندگی دنیا است، وقتی آغاز زندگی توأم با سعادت باشد، انجامش نیز سعید خواهد بود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۸/ ص ۳۳۸-۳۳۹)

۲-۵- تأویل

در منابع روایی حدیثی وجود دارد که به بیان تأویل این آیه پرداخته آن را ذکر می‌کنیم:
علی بن ابراهیم، قال: أخبرنا الحسين بن محمد، عن المعلی بن محمد بإسناده، عن إسحاق بن عمار، قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): « وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ فِي عَلِيٍّ وَ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ أَصْلَحَ بِأَلْهِمَّ، هَكَذَا نَزَلَتْ ». (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۵/ ص ۵۵؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۵/ ص ۲۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۵/ ص ۲۱؛ قمی، ۱۳۶۳: ج ۲/ ص ۳۰۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۱۲/ ص ۲۱۵).

اسحاق بن عمار روایت کرده است که امام صادق (ع) فرمود: این آیه در صل این گونه نازل شده است « وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ فِي عَلِيٍّ وَ هُوَ الْحَقُّ مِنْ

رَبِّهِمْ كَفَرَتْ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَاصْلَحَ بِالْهَمِّ». و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و به آنچه بر محمد (ص) نازل شده در مورد علی (علیه السلام) و همه حق است از سوی پروردگارشان ایمان آوردند، خداوند گناهان‌شان را می‌بخشد و کارشان را اصلاح می‌کند.

عبارت «نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ» مطلق است هم‌ی آنچه که بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نازل شده است را شامل می‌شود ولی در این روایت مصداق اتم آن یعنی آنچه که درباره‌ی علی (علیه السلام) بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نازل شده است مطرح شده است؛ بنابراین تاویل در این روایت از نوع جری و تطبیق و از دسته‌ی بیان مصداق مطلق می‌باشد.

۶- محمد/۹

«ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ، محمد، ۹»

«این به خاطر آن است که از آنچه خداوند نازل کرده کراهت داشتند؛ از این رو خدا اعمالشان را حبط و نابود کرد».

۶-۱- تفسیر

مراد از «ما أنزل الله» قرآن شریف و شرایع و احکامی است که خدای تعالی بر پیغمبرش نازل و خلق را مامور به اطاعت و انقیاد از آن کرده، و کفار نسبت به آن کراهت داشته و از پیرویش استکبار ورزیدند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۸/ ص ۳۴۷)

۶-۲- تاویل

روایتی در تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن بحرانی به تاویل این آیه پرداخته که در این جا ذکر می‌شود.

محمد بن العباس، قال: حدثنا أحمد بن القاسم، عن أحمد بن محمد، عن أحمد بن خالد عن محمد بن علی، عن ابن الفضیل، عن أبي حمزة، عن جابر، عن أبي جعفر (علیه السلام)، أنه قال: «قوله تعالى: ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي عَلِيٍّ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ». (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۵/ ص ۵۸) از جابر روایت شده است که امام محمد باقر (ع) در مورد آیه فوق فرمود: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ - فِي عَلِيٍّ - فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ»، این به خاطر آن است که از آنچه خداوند در مورد امام علی (علیه السلام) نازل کرده کراهت داشتند؛ از این رو خدا اعمالشان را حبط و نابود کرد.

عبارت «انزل الله» به صورت مطلق آمده و هم‌ی شرایع و احکامی را که خدا بر پیامبر نازل کرده را شامل می‌شود ولی در این روایت کراهت داشتن آنچه درباره امام علی (علیه السلام) بر پیامبر



نازل شده را به عنوان مصداق اتم آن معرفی می‌کند؛ بنابراین تاویل در این روایت از نوع جرح و تطبیق و از دسته‌ی بیان مصداق می‌باشد.

۷-محمد/ ۱۵

« مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٌ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ، محمد، ۱۵»

« توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، چنین است: در آن نهرهایی از آب صاف و خالص که بدبو نشده، و نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته، و نهرهایی از شراب (طهور) که مایه لذت نوشندگان است، و نهرهایی از عسل مصفاست، و برای آن‌ها در آن از همه انواع میوه‌ها وجود دارد؛ و (از همه بالاتر) آمرزشی است از سوی پروردگارشان! آیا این‌ها همانند کسانی هستند که همیشه در آتش دوزخند و از آب جوشان نوشانده می‌شوند که اندرونشان را از هم متلاشی می‌کند؟».

۷-۱-تفسیر

کلمه «مثل» به طوری که گفته‌اند به معنای صفت است، یعنی صفت بهشتی که خدا به متقین وعده داده که در آن داخلشان کند چنین و چنان است. چه بسا از مفسرین کلمه مذکور را حمل بر همان معنای معروفش کرده و از آن استفاده کرده‌اند که بهشت رفیع‌تر و درجه‌اش اعلای از آن است که بتوان با زبان و توصیف برایش حد معین کرد. و لفظ، تنها می‌تواند با آوردن مثل، ذهن را به نوعی به آن نزدیک کند. در آیه مورد بحث عبارت «آنها که ایمان آورده و اعمال صالح کردند» که در آیه قبلی بود، به عبارت «متقون» تبدیل شده، تبدیل لازم از ملزوم، چون تقوی و پرهیز از خدا مستلزم ایمان و اعمال صالح است. «فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ» یعنی آبی که با زیاد ماندنش بو و طعم خود را از دست نمی‌دهد. «وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ» نهرهایی از شیر که مانند شیر دنیا طعمش تغییر نمی‌کند. «وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٌ لِلشَّارِبِينَ» یعنی نهرهایی از خمر که برای نوشندگان لذت بخش است. و کلمه «لذة» یا صفت مشبهه مؤنث و وصف خمر است و یا مصدری است که به وسیله آن، خمر با مبالغه توصیف شده است و یا مضافی از آن در تقدیر است، که تقدیر آن «من خمر ذات لذة» می‌باشد. «وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى»، یعنی عسل خالص و بدون موم و لرد و خاشاک و سایر چیزهایی که در عسل دنیا هست و آن را فاسد و

معیوب می‌کند، «وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ» در این جمله مطلب را عمومیت می‌دهد. «وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ» آموزشی که تمامی گناهان و بدیها را محو می‌کند و دیگر عیش آن‌ها به هیچ کدورتی مکرر و به هیچ نقصی منقص نیست. و در تعبیر از خدا به کلمه «ربهم» اشاره است به این که رحمت خدا و رأفت الهیه‌اش سراپای آنان را فرا گرفته. «كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ» در این جمله یکی از دو طرف قیاس حذف شده، تقدیرش این است که: آیا کسی که داخل چنین بهشتی می‌شود، مثل کسی است که او جاودانه در آتش است. و نوشیدنی‌شان آبی است بسیار بسیار داغ که روده‌هایشان را تکه تکه می‌کند و اندرونشان را بعد از نوشیدن می‌سوزاند؟ و نوشیدنی‌شان هم به کراهت و جبر است، هم چنان که فرموده: «وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۸/ ص ۳۵۱-۳۵۲)

۷-۲- تاویل

دو روایت از تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن بحرانی و تفسیر فرات الکوفی برای تاویل این آیه ذکر می‌شود.

الف) قال أبو عبد الله (عليه السلام): «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعِدَ الْمُتَّقُونَ، وَ هُمَ آلُ مُحَمَّدٍ وَ أَشْيَاعُهُمْ»، ثم قال: « [قال] أبو جعفر (عليه السلام): أما قوله تعالى: فِيهَا أَنْهَارٌ، فالأنهار رجال، و قوله تعالى: مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ فَهُوَ عَلِيٌّ (عليه السلام) فِي الْبَاطِنِ، وَ قَوْلُهُ تَعَالَى: وَ أَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ فَإِنَّهُ الْإِمَامُ (عليه السلام)، وَ أَمَّا قَوْلُهُ تَعَالَى: وَ أَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٌ لِلشَّارِبِينَ، فَإِنَّهُ عِلْمُهُمْ يَتَلَذَّذُ مِنْهُ شِيعَتُهُمْ، وَ إِنَّمَا كُنِيَ عَنِ الرِّجَالِ بِالْأَنْهَارِ عَلَى سَبِيلِ الْمَجَازِ، أَيْ أَصْحَابُ الْأَنْهَارِ وَ مِثْلُهُ وَ سَأَلَ الْقُرَيْبَةَ، فَالْأَثْمَةُ (عليه السلام) هُمُ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ وَ مَلَائِكُهَا». ثم قال (عليه السلام): «وَ أَمَّا قَوْلُهُ تَعَالَى: وَ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ، وَ لَإَيُّهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَيْ مِنْ وَالِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) لَهُ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِ، فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: وَ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ». ثم قال (عليه السلام): «كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ، أَيْ إِنْ الْمُتَّقِينَ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ دَاخِلٌ فِي وَلايَةِ عَدُوِّ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ وَلايَةِ عَدُوِّ آلِ مُحَمَّدٍ هِيَ النَّارُ، مِنْ دَخَلَهَا فَقَدْ دَخَلَ النَّارَ، ثُمَّ أَخْبَرَ سَبْحَانَهُ عَنْهُمْ: وَ سُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ». (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۵/ ص ۷۵)

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعِدَ الْمُتَّقُونَ» منظور از پرهیزگاران، اهل بیت (سلام الله علیها) و پیروانشان هستند. سپس امام صادق فرمود که امام محمد باقر (عليه السلام) فرموده است: «فِيهَا أَنْهَارٌ» مراد از انهار، مردانی می‌باشد. معنای باطنی «مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ»



علی (علیه السلام) است. مراد از « وَ أَثْهَارٌ مِنْ لَبَنِ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ » امام (علیه السلام) است، و اما منظور از « وَ أَثْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٌ لِلشَّارِبِينَ » علم ائمه است که شیعیان از علم آنان لذت و بهره می‌برند. همانا از «رجال» توسط واژه «انهار» به صورت مجازی، کنایه آورده شده است؛ یعنی مراد از «انهار»، «اصحاب الانهار» است؛ مانند «واستل القریه» که منظور از آن «واستل اهل القریه» است. پس ائمه علیهم السلام اصحاب بهشت و ملاک بهشت هستند. منظور از « وَ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ » آن است که هر کس به ولایت امیرالمومنین (علیه السلام) ایمان داشته باشد، خداوند او را خواهد آمرزید. «كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ» یعنی آیا متقین مانند کسانی هستند که جاودانه داخل در ولایت دشمن آل محمد(ص) هستند؟ و مراد از «نار»، ولایت دشمن آل محمد(ص) است. هر کس داخل این ولایت شود، قطعاً داخل آتش شده است. سپس خدای سبحان خبر داد که: «و از آب جوشان نوشانده می‌شوند که اندرونشان را از هم متلاشی می‌کند.»

عبارت «الْمُتَّقُونَ» عام است؛ زیرا جمع محلی به «الف و لام» می‌باشد و همه‌ی پرهیزگاران را شامل می‌شود ولی روایت اهل بیت و پیروانشان را مصداق اتم پرهیزگاران ذکر کرده است. تاویل در این روایت از نوع جرح و تطبیق و از دسته‌ی بیان مصداق عام می‌باشد. در آیه عبارت «الانهار» به معنای نهرها آمده است که نهرهایی از آب و شیر و شراب طهور و غسل گفته شده است اما در روایت عبارت «الانهار» به مردان و عبارت « مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ » به امام علی (علیه السلام) و عبارت « وَ أَثْهَارٌ مِنْ لَبَنِ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ » به امام (علیه السلام) و عبارت « وَ أَثْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٌ لِلشَّارِبِينَ » به شیعیان ائمه که از علم ائمه لذت و بهره می‌برند و عبارت «الانهار» به عنوان مجاز برای ائمه به تاویل برده شده است؛ این تأویلات غیرازمعنای عرفی و ظاهری آیه است؛ بنابراین تاویل در عبارت‌های که ذکر شد از نوع روایات بطنی می‌باشند. عبارت « وَ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ » مطلق است و به طور کلی آمرزش پروردگار را بیان کرده است ولی در روایت مصداق اتم آمرزش برای کسانی که به ولایت امیرالمومنین (علیه السلام) ایمان داشته باشد مطرح شده است؛ بنابراین تاویل در این عبارت از نوع جری و تطبیق و از دسته‌ی بیان مطلق می‌باشد. عبارت «كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ» مطلق است و همه‌ی کسانی را که همیشه در آتش دوزخند شامل می‌شود اما در روایت مصداق اتم آن دشمنان اهل بیت را ذکر می‌کند؛ بنابراین تاویل در این عبارت از نوع جری و تطبیق و از دسته‌ی بیان مصداق مطلق می‌باشد. مراد از «نار»، ولایت دشمن آل محمد(ص) دانسته شده که تاویل از نوع باطنی به شمار می‌رود.

ب) قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا فُرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْأَحْمَسِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو يَحْيَى الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَابِرٍ عَنْ طُعْمَةَ الْجَعْفِيِّ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سُئِلَ سَيِّدِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ [تَعَالَى فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ] مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ قَالَ هِيَ فِي عَلِيٍّ وَ أَوْلَادِهِ وَ شِيعَتِهِمْ هُمُ الْمُتَّقُونَ وَ هُمُ أَهْلُ الْجَنَّةِ وَ الْمُغْفَرَةِ. (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ج ۱/ ۴۱۷). از مفضل بن عمر روایت شده که مردی از امام جعفر صادق (علیه السلام) در مورد آیه «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ» سوال کرد، امام (ع) در پاسخ فرمود: منظور از پرهیزگاران علی (علیه السلام) و اولادش و شیعیان او هستند. واژه «الْمُتَّقُونَ» عام است و همه‌ی پرهیزگاران را شامل می‌شود ولی روایت امام علی (علیه السلام) و اولادش و شیعیان او را مصداق اتم پرهیزگاران ذکر کرده است. تاویل در این روایت از نوع جری و تطبیق و از دسته‌ی بیان مصداق عام می‌باشد.

۸- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعدد و متفاوتی پیرامون تاویل قرآن کریم به شکل کتاب و مقاله به رشته‌ی تحریر در آمده است که عمدتاً به شرح و توضیح کلمه‌ی تاویل پرداخته و در برخی موارد به عنوان نمونه اندکی از کلام اهل بیت (علیهم السلام) در آن‌ها ذکر شده است. در ادامه به تحقیقاتی که می‌تواند تا حدی مرتبط با این موضوع باشد، اشاره می‌شود:

۸-۱- کتاب‌ها:

۱- التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، ۱۳۹۶، قم، مهر. در این اثر الف) ابتدا معنای تاویل بیان شده و بعد به تفاوت تفسیر و تاویل اشاره کرده است. ب) معنای ظهر و بطن را بیان کرده و معانی چهارگانه‌ای برای تاویل آورده که یک مورد آن از مصطلحات اهل حدیث و سه مورد آن درباره قرآن است، مانند: رفع شبهه کردن - تعبیر رویا و عاقبت امر که در سوره‌های کهف (۷۸)، یوسف (۶)، و اسراء (۳۵) به این تاویلات اشاره شده است. ج) معنای تاویل از دیدگاه مفسرانی چون علامه طباطبایی، ابن تمیة و رشید رضا که با یکدیگر تفاوت نظر داشتند. د) راسخون در علم معرفتی گردیده و همچنین نقاط اشتراک و افتراق مفسران شیعه و اهل سنت در این زمینه بیان شده است. نقاط اشتراک: نقطه‌ی اشتراک کتاب مذکور با این پایان نامه در زمینه‌ی مفهوم شناسی واژه تاویل می‌باشد.



۲- روش‌های تاویل قرآن، محمد کاظم شاکر، ۱۳۷۶، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه. این کتاب عهده‌دار بحث در معناشناسی و روش‌شناسی تاویل قرآن در سه حوزه‌ی معرفت دینی است که عبارت‌اند از: آیات و روایات، حوزه مکاتب باطنی و حوزه‌ی فقه و اصول. بنابراین عمده مباحث این کتاب، حول دو محور معناشناسی و روش‌شناسی تاویل، در سه حوزه‌ی روایی، باطنی و اصولی است، گرچه مباحث دیگری نیز از قبیل؛ عوامل موثر در فهم تاویل قرآن و آگاهان به تاویل را نیز در بر دارد. نقاط اشتراک: نقطه اشتراک کتاب مذکور با این پایان‌نامه در زمینه مفهوم‌شناسی واژه تاویل می‌باشد.

۳- مبانی و روش‌های تفسیری، محمد کاظم شاکر، ۱۳۸۲، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی. این کتاب به تبیین «مبانی و روش‌های تفسیری» همت گماشته که در سه، بخش: کلیات، مبانی فهم قرآن، و تفسیر قرآن در عصر پیامبر «صلی الله علیه و آله»، صحابه، تابعین، و اهل بیت علیهم السلام تنظیم شده است. در درس اول، تفسیر و تاویل از نظر لغت، اصطلاح و کاربردهای قرآنی همراه با نقل نظریات برخی صاحب‌نظران مورد بررسی قرار گرفته است. در درس هفتم، ضمن گزارشی از روایات ظاهر و باطن در بین فریقین به معناشناسی واژگان به کار رفته در آن‌ها و ارتباطشان با یکدیگر پرداخته شده است. در درس هشتم، با بیان دیدگاه‌ها و موضع‌گیری‌های مختلف در قبال روایات ظاهر و باطن، نظریات قرآن‌شناسان در معنای «تفسیر باطن و مبانی فهم قرآن» مطرح شده است.

۴- مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، عباسعلی عمید زنجانی، ۱۳۷۳، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، متن اولیه‌ی کتاب حاضر، ابتدا در سال ۱۳۴۲، در نجف اشرف، به هنگام تدریس روش‌های تفسیری فراهم آمد. سپس، در ضمن تدریس مکرر مباحث آن در دانشکده الهیات و دانشگاه تربیت مدرس مطالب و موضوعاتش تکمیل شده است. این کتاب در نه فصل تنظیم شده است. فصل اول کتاب؛ کلیات است که در این فصل مباحث زیر بررسی شده‌اند: ضرورت شناخت قرآن، جایگاه علم تفسیر، سیر تحولات در تفسیر قرآن، تحول مبانی و روش‌های تفسیری. در فصل دوم: وجوه شناخت قرآن، علل اختلاف در تفسیر قرآن، علل پیدایش اختلاف. در فصل سوم: تعریف عناوین کلی مبانی و روش‌های تفسیری. در فصل چهارم: تفسیر نقلی یا تفسیر به ماثور. در فصل پنجم: تفسیر به رای. در فصل ششم: تفسیر رمزی، تفسیر اشاری، تفسیر شهودی. در فصل هفتم: تفسیر عقلی و اجتهادی. در فصل هشتم: تفسیر قرآن به قرآن. در فصل نهم: تفسیر

قرآن بر اساس کتاب، سنت، عترت و عقل نقش تفکر و تعقل در فهم صحیح قرآن، مقدمات علمی تفسیر قرآن مراجعه به مجاری وحی بررسی شده است. نقاط اشتراک: نقطه اشتراک کتاب مذکور با این پایان نامه این است که در فصل دوم کتاب به بررسی موضوعاتی چون تفسیر، تأویل، تنزیل پرداخته است.

۵- تفسیر المیزان فی التفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی، ۱۴۱۷، تهران، دارالکتب السلامیه. در این اثر نویسنده به شانزده مورد تاویل و تفاوت آن با تفسیر پرداخته و برای هر کدام از یازده سوره جزء ۲۹ به مصادیقی اشاره کرده و در پایان آیه مورد نظر اذعان داشته که این توضیحات از باب مصداق است ولی تفسیر نیست که به نظر می‌رسد همان تاویل آیات است.

۶- کتاب تاویل الایات الظاهره فی فضایل العتره الطاهره نوشته آقای علی استرآبادی تاویل آیات قرآن از طریق روایات معصومین (علیهم السلام) آمده است. این کتاب به ترتیب سوره های قرآن است که از سوره فاتحه آغاز و به سوره اخلاص ختم شده است. در هر قسمت نیز ابتدا نام سوره بعد آیات مورد نظر را با شماره آیه ذکر کرده پس از آن در ذیل آیه روایات اهل بیت (علیهم السلام) را در تاویل آن آیه آورده است. البته نویسنده آیات را به صورت گزیده آورده به همین دلیل در این بین نام بعضی از سوره قرآن نیامده زیرا روایتی ذیل آیات آن سوره نیافته است.

۸-۲- مقالات

۱- سید حسین تقوی در سال ۱۳۸۲ در پژوهشی به بررسی اهل بیت (علیهم السلام) و تأویل قرآن پرداخت که نتایج زیر حاصل شدیکی از آموزه های اهل بیت (علیهم السلام) در شیوه تفسیر قرآن، که از روایات به دست می آید، گشودن دریچه ای نو و هماهنگ با زمان به نام «تأویل» است که در پرتو این روش، شهری از علم را بنیان نهاده و هزاران ناگفته را از نهان عیان ساخته و آن را به رایگان برای بهره مندی در اختیار همگان قرار داده اند و گمان می رود این آموزه عترت (علیهم السلام) که دارای معنای روشن و آشکاری است، به دلیل کاربردهای مختلف و اظهارات ناآگاهان و آمیختگی اصطلاحات با یکدیگر غباری از ابهام بر آن نشسته، تا آن جا که در تبیین مفاد واژه «تأویل»، دانشمندان علوم قرآن و تفسیر، افزون بر ده نظریه را ۲۱ برشمرده اند. ولی بر ماست که در میان روایات، به جستوجوی حقیقت تأویل برآییم که به گونه آشکار به آن



پرداخته شده و بر آن اصرار و تأکید گردیده است و کشف این حقیقت جز با همراه ساختن واژه ها و حقایقی دیگر همچون ظاهر، باطن، تنزیل و تفسیر امکان پذیر نیست. در مرحله اول، به تبیین تأویل نصوص اهل بیت (علیهم السلام) خواهیم پرداخت و سپس در پی همخوانی آن با مفاد آیات قرآنی برمی آییم که اطلاعات به دست آمده در این روش از طریق داده های ثانویه مقالاتی که قبلاً در این زمینه به آن پرداخته شده است به دست آمده است.

۲- علوی مهر، رشاد، بابایی در سال ۱۳۸۴ در پژوهشی به بحث و بررسی پیرامون بطن و تأویل قرآن پرداخته‌اند که در ادامه به نتایج به دست آمده زیر می توان اشاره کرد. تأویل از مهم ترین موضوعاتی است که در دانش های قرآنی از آن بحث می شود. قرآن، هم ظاهر دارد و هم باطن. این دیدگاه می گوید ما هم به ظاهر قرآن تمسک کنیم، چون ظهور حجت است و هم از باطن قرآن استفاده کنیم.

۳- قهاری کرمان و همکاران در سال (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی انواع تأویلات اهل بیت علیهم السلام در جزء هفدهم قرآن کریم، پرداختیم که نتایج زیر حاصل شد. یکی از آموزه های اهل بیت (علیهم السلام) در بیان معارف قرآن کریم که از روایات به دست می آید، گشودن دریچه های نو و هماهنگ با زمان به نام «تأویل» است که در پرتو آن، معانی و مصادیق باطنی آیات قرآن استخراج می گردد. آیات قرآن افزون بر آنچه از ظاهر آنها استفاده میشود؛ دارای لایه های باطنی یا تأویل است و بهترین راه دستیافتن به تأویل قرآن از طریق معصومین (علیهم السلام) می باشد. این پژوهش در پی یافتن پاسخ به این سوال هست که انواع تأویلات اهل بیت (علیهم السلام) در جزء ۱۷ قرآن کدام است در این راستا روایات تأویلی اهل بیت (علیه السلام) مربوط به جزء ۱۷ قرآن از بین روایات تفسیری استخراج و با روش توصیفی - تحلیلی مشخص شد که از مجموع ۱۹۰ آیه در دو سوره انبیا و حج، تعداد ۵۳ آیه از تأویل برخوردارند که جمعاً ۱۱۷ روایت تأویلی از اهل بیت (علیهم السلام) در ذیل این آیات آمده است. از این ۱۱۷ روایت، ۱۱ روایت به بیان معنای باطنی آیات، ۳۹ روایت به بیان مصداق باطنی آیات، ۳ روایت به بیان مصداق عموم آیه و ۶۴ روایت به بیان مصداق اطلاق آیه پرداخته اند.

لازم به ذکر است که در این روایات، آیات قرآن عمدتاً به اهل بیت (علیهم السلام) و دوستان و مخالفان ایشان تاویل شده است.

دیاری بیدگلی و قنبری در سال (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی بررسی انتقادات ذهبی بر تاویلات شیعه با تأکید بر آرای آیت الله معرفت پرداختند که نتایج زیر حاصل شد. یافته‌های حاصل از پژوهش این است که تفاوت نگرش ذهبی در تبیین ماهیت بطن و تاویل، منجر به این انتقادات شده و آیت الله معرفت با توجه به جاودانگی و جهان‌شمولی قرآن، بطن را همتای تاویل، مفهوم عامی دانسته که با الغای خصوصیات از آیه، قابل انطباق بر مصادیق نوظهور است. تطبیق مفهوم عام بر مصادیق مختلف مطابق با معیارهای صحیح تاویلی است که مورد قبول ذهبی نیز می‌باشد).

۹- نوآوری پژوهش

اصولاً پژوهش‌های مختلفی پیرو داستان‌ها و تاویلات قرآنی انجام شده است که در اینجا به چند مورد از پیشینه‌ها اشاره شد. که در بعضی از آنها به داستان‌های قرآنی و یا تاویلات قرآن به صورت کلی پرداخته شده و اجمالی در مورد همه آن‌ها توضیح داده شده است کما اینکه در پژوهش حاضر به طور اخص به بررسی تاویلات قرآن در جزء ۲۶ پرداخته شده است که تاکنون در هیچ پژوهشی انجام نشده است و از همین جهت دارای نوآوری و یا همان وجه تمایز می‌باشد.

۱۰- نتیجه‌گیری:

نتیجه‌گیری کلی، از تحلیل محتوای روایات تاویلی در جزء ۲۶ قرآن کریم به قرار ذیل است: (۱) در این جزء از قرآن کریم ۶ سوره (احقاف، محمد، فتح، حجرات، ق، ذاریات تا آیه، ۳۰) در مجموع ۱۹۵ آیه مورد بررسی قرار گرفتند.

(۲) در مجموع ۲۵ آیه دارای روایات تاویلی بودند.

(۳) جمعا ۳۰ روایت تاویلی از اهل بیت (ع) در ذیل این آیات آمده است.

(۴) از تعداد روایات تاویلی، ۲۵ روایت از نوع جری و تطبیق و از دسته‌ی بیان مصداق مطلق بودند.

(۵) هم چنین ۳ روایت به نوع جری و تطبیق و از دسته‌ی بیان مصداق عام اشاره کرده‌اند.



۶) ۲ مورد از روایات تأویلی مورد بحث دارای معنای باطنی هستند که این تأویلات درباره‌ی امیر المؤمنین (ع) و ائمه اطهار (ع)، شعیان ائمه، ولایت دشمن آل محمد (ص) می باشند؛ که ذیل آیه ۱۵ سوره محمد ذکر شده‌اند.

۷) بیشترین روایات تأویلی این پژوهش از امام صادق (ع) و امام محمد باقر (ع) می باشد. به طوری که ۱۳ روایت از امام صادق (ع)، ۱۰ روایت از امام محمد باقر (ع) آمده است. علاوه بر این ۳ روایت از پیامبر (ص) و ۲ روایت از امام علی (ع) و ۲ روایت امام رضا (ع) و یک روایت از امام موسی کاظم (ع) و یک روایت امام سجاد (ع) ذکر شده است.

۸) بیشترین تأویلات در سوره‌ی محمد و کمترین تأویلات در سوره‌ی احقاف آمده است.

۹) از روایات جری و تطبیق و روایات باطنی این نکته به دست می‌آید که ساختار قرآن قابل مقایسه با کتاب‌های بشری نیست. ساختار قرآن چند معناست؛ به این معنا که ممکن است در یک زمان دارای دو مفهوم باشد و هر کدام از آن مفاهیم، قابل انطباق با ظاهر آیه باشد و ظاهر آیه آن را انکار نکند. قرآن دارای چند لایه و سطح است که همین شاخصه سبب شده است کتابی تاریخی و منحصر به عصر خودش نباشد.

۱۰) این ویژگی که می‌توان مصادیق مختلفی را برای شخصیت‌های خوب و بد قرآن در هر عصر و زمان براساس معیارهای عقلی و قرآنی برشمرد، سبب شده است که قرآن در هر عصر و زمانه‌ای پویا و زنده بوده و جاودانگی آن تضمین شود.

۱۱) با توجه به ذو وجوه بودن قرآن در بسیاری از آیات قرآن و نیز مساله جاودانگی قرآن، غالب آیات قرآن که بر یک مورد یا واقعه خاص دلالت می‌کند، قابل انطباق بر همه موارد، مصادیق و وقایعی است که تا روز قیامت دارای همان ملاک، روح و باطن آیه مورد نظر هستند.

منابع:

قرآن کریم

۱- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. (بی تا). الاکلیل فی المتشابه و التاویل، اسکندریه: دارالایمان.

۲- ابن فارس، احمد ب فارس. (۱۴۰۴ ه. ق). معجم مقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۳- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ه. ق). لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.

- ۴- بابایی، علی اکبر. (۱۳۸۸). روش شناسی تفسیر قرآن، چاپ چهارم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تهران.
- ۵- بحرانی، هاشم. (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
- ۶- تقوی، حسین، (۱۳۸۲)، اهل بیت (علیهم السلام) و تأویل قرآن، مجله معرفت «آبان»، شماره ۷۱.
- ۷- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۹۵۶م). الصحاح، بیروت: دار العلم للملایین.
- ۸- دیاری بیدگلی، محمد علی؛ قنبری، مرضیه؛ (۱۳۹۹)، بررسی انتقادات ذهبی بر تأویلات شیعه با تأکید بر آرای آیت الله معرفت، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال ۱۱، شماره ۴۰.
- ۹- راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
- ۱۰- رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۵)، منطق تفسیر قرآن (۱) و (۲) روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، قم، نشر جامعه المصطفی (ص) العالمیه، ۱۳۸۵ش
- ۱۱- زبیدی. مرتضی. (۱۹۹۴). تاج العروس، بیروت: دارالفکر.
- ۱۲- شاکر، محمد کاظم. (۱۳۷۶). روشهای تأویل قرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۳- شیرازی، صدرالدین محمد، تفسیر القرآن الکریم، انتشارات بیدار، قم، ۱۳۶۴، ۱۰۳/۳.
- ۱۴- طباطبایی، محمد. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۵- علوی مهر، حسین؛ رشاد، علی اکبر؛ بابایی (۱۳۸۴)، بطن و تأویل قرآن، منبع: کتاب نقد، شماره ۳۵
- ۱۶- فرات کوفی. فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات الکوفی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- ۱۷- قهاری کرمانی، محمد هادی؛ امین، محمدرضا؛ نصر الهی پور همت آباد، فاطمه؛ (۱۳۹۹)، انواع تأویلات اهل بیت علیهم السلام در جزء هفدهم قرآن کریم، پایان نامه کارشناسی ارشد، کرمان - رفسنجان - مؤسسه آموزش عالی حوزوی زینب کبری «علیها السلام».
- ۱۸- معرفت، محمدهادی؛ (۱۴۲۷ق)، التاویل فی مختلف المذاهب والاراء. تهران، المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب السلامیه، المعاونه الثقافیه مرکز التحقیقات و الدراسات العلمیه.



References:

-The Holy Quran

1. Ibn Taymiyyah, Ahmad ibn Abd al-Halim. (Without). The crown in similarity and interpretation, Alexandria: Dar al-Iman.
2. Ibn Fars, Ahmad B. Fars. (1404 AH). Dictionary of Comparative Language, Qom: Islamic Media School.
3. Ibn Manzur, Mohammad ibn Makram. (1414 AH). Arabic Language, Third Edition, Beirut: Dar Sader.
4. Babaei, Ali Akbar. (1388). Methodology of Quran Interpretation, Fourth Edition, Qom: Hozeh Research Institute and University of Tehran.
5. Ghahari Kermani, Mohammad Hadi; Amin, Mohammad Reza; Nasrollahipour Hemmatabad, Fatemeh; (1399), Types of interpretations of the Ahl al-Bayt (as) in the seventeenth part of the Holy Quran, master's thesis: Kerman - Rafsanjan - Zeinab Kobra's seminary higher education institute "(as)".
6. Maareft, Mohammad Hadi; (1427 AH), interpretations in different religions and religions. Tehran, World Association for the Approximation of Islamic Religions, Cultural Deputy, Center for Research and Scientific Studies.